



۲۰۲۳ / ۲ / ۲/۴



کانديد اکادميسين سيستاني

## توطنه های انگلیس بر ضد زمانشاه واز دست رفتن خراسان

در میان ۲۴ پسر تیمورشاه درانی، زمان شاه تنها کسی بود که میخواست قدم بر جای پای جد خود احمدشاه درانی بگذارد ودهلی را فتح کند، به همین علت او پس از گرفتن زمام قدرت در سال ۱۷۹۳، سپاهی بسرکردگی سردار پاینده خان برای سرکوبی برادرش همایون که در قندهار اعلام پادشاهی کرده بود فرستاد. پاینده خان در نزدیکی قندهار با سپاه همایون روبرو شد و قبل از آغاز جنگ با سرکرده سپاه همایون وارد گفتگو شد و او را بطرفداری زمان شاه تشویق نمود، در نتیجه سرکرده لشکر همایون به نیروهای سردار پاینده خان پیوست و بدون آنکه جنگی رخ دهد، وارد قندهار شد و بزرگان قندهار را به اطاعت از زمانشاه تشویق نمود. سردار پاینده خان قیصر پسر هفت ساله زمانشاه را بحیث والی قندهار منصوب کرد و عبدالله خان نورزی را به حیث مشاور و رهنمای او تعیین نمود. پس از فرار همایون از قندهار، زمانشاه برای فتح دهلی از کابل بسوی پشاور حرکت نمود، اما در پشاور مطلع شد که برادرش همایون با کمک خان بلوچستان دوباره قندهار را متصرف شده و قیصر پسر هفت ساله شاه زمان را بزدان انداخته است. شاه زمان بزودی خود را بکابل رسانید و به استقامت قندهار حرکت کرد. این بار دوم بود که قندهار با سرانگشت تدبیر سردار پاینده خان از دست همایون خارج گردید و همایون دوباره بسوی بلوچستان فرار نمود، اما از طرف سپاهیان زمانشاه تعقیب و دستگیر و از بینائی محروم شد و در وبلااحصار کابل زندانی گردید و زمانشاه مجدداً بعزم فتح دهلی بسوی پشاور راه افتاد. شهزاده محمود والی هرات که به اقتضای زمان از زمانشاه اطاعت کرده بود، همینکه شاه زمان به پشاور رسید، دست بشورش زد و آهنگ تصرف قندهار نمود. شاه زمان هم در رأس سپاه ۱۵ هزار نفری به مقابل او شتافت. هر دو برادر در ناحیه گرشک در این طرف رود هلمند با هم روبرو شدند و پس از نبردی سخت که نزدیک بود شاه زمان شکست بخورد، فتح نصیب شاه زمان شد. محمود از میدان گریخت و سالم خود را به هرات رسانید. شاه پس از فرستادن نیرویی برای تصرف فراه، خود به قندهار برگشت و از آنجا عازم پشاور شد. [۱]

از راپور غلام سرور برای کمپنی هند شرقی معلوم میگردد که انگلیس ها در سال ۱۷۹۳، یکی از جواسیس خود بنام غلام سرور را به قندهار اعزام کرده بودند تا در باره وضعیت مالی و عایداتی و استحکامات نظامی و تشبثات سیاسی زمانشاه بغرض حمله برهند، راپوری برای کمپنی هند شرقی تهیه کند. غلام سرور، این راپور تهیه کرد و آنرا در بدل مبلغ ۴۵۰۰ روپیه بدسترس کمپنی هند شرقی گذاشت. براساس این راپور در سالهای ۱۷۹۳-۱۷۹۴ میلادی سالانه ۶۷ لک روپیه در خزانه شاه زمان تحویل می شد. [۲] راپور می گوید که در شروع سلطنت شاه زمان مصارف عمومی دولتی در حدود ۱۴۱ لک روپیه بود که از آنجمله فقط ۴۶/۱ لک روپیه آن از طریق خزانه پایتخت و ۶۷ فیصد آن از مدرک عواید خزانه های ولایتی تمویل می گردید. نظر به ارقام غلام سرور، در عصر شاه زمان از ۶۷ لک روپیه عواید او سالانه ۲۱ لک روپیه آن ذخیره میگردد. [۳]

د پانو شمیره: له ۱ تر ۸

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکاري ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

پاڼه: دليکنې د ليکنيزې بڼې پاڼوالي د ليکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکې په څير و لولئ

پس از مطالعه راپورغلام سرور بود که انگلیسها برای ناکامی و براندازی زمانشاه دست بکار شدند و یکی دیگر از جواسیس خود را در لباس پیر بنام "میا غلام محمد" به قندهار فرستادند و او در قندهار در زیارت خرقة شریف جابجاگردید و به تخذیر زوار و عبادت کنندگان پرداخت. امکان دارد در هرات و کابل و جلال اباد و لاهور نیز جواسیس خود را فرستاده باشند تا دست به تحریکاتی علیه شاه زمان هنگام لشکرکشیهای او به هند بزنند. چنانکه بعد از سال ۱۷۹۳ هرباری که شاه زمان بقصد هند لشکرکشی میکرد، یکی از برادرانش برضد او شورش میکردند و شاه زمان مجبور میشد، راه رفته تا لاهور یا پشاور را با سرعت دوباره طی کند و شورش را خاموش نماید و باز برای حمله بر هند آمادگی بگیرد. بدین سان شاه زمان در هشت سال سلطنت خود هفت بار بر هند حمله نمود ولی همینه که تا لاهور میرسید در پشت او شورشی از سوی برادرانش شهزاده همایون و شهزاده محمود و یا شاهان قاجاری ایران براه می افتاد و او مجبور میشد راه رفته را با سرعت دوباره طی کند و غایله را خاموش نماید.

شوق و ذوق زمانشاه برای فتح دهلی چنان هوش از سر او پرانده بود که در سال ۱۷۹۵ وقتی شاه ایران اقا محمد خان قاجار بر خراسان حمله کرد و خزانه دولتی را غارت نمود و شاهرخ والی افغانی را برای نشان دادن گنجینه هایش شکنج و تیل داغ نمود و سپس او را کشت. شاه زمان در حالی که با ۳۰ هزار لشکر آماده پیکار خود در هرات بود برای مقابله با شاه قاجار تطل و رزید، اما همینه که از زبان یک قاصد ایرانی شنید که شاه قاجار قصد برگشت به تهران را دارد (در حالی که هنوز شاه قاجار در خراسان بود)، زمانشاه به لشکریان خود امر حرکت بعزم هندوستان داد. [۴] حال آنکه سیاست مملکت داری ایجاب میکرد تا بدفاع از منافع افغانستان برخیزد و زهرچشمی به ایران نشان بدهد و یا لا اقل تا مشهد برود و به دلجویی از مردمی بپردازد که مورد نهب و غارت شاه ایران و سپاهیان او قرار گرفته بودند و کسانی را که دشمن را در غارت ان ایالت یاری رسانده بودند گوشمالی بدهد.

زمانشاه بار دیگر با لشکر سی هزار نفره خود بعزم فتح دهلی از هرات حرکت کرد و به قندهار رفت و از قندهار به کابل کشید و سپس بعزم دهلی از کابل به پشاور و از پشاور بدون کدام مانعی در اوایل ماه جنوری ۱۷۹۷ وارد لاهور شد. هنوز سپاه زمانشاه در لاهور نفسی براحت نکشیده بودند که خبر شورش شهزاده محمود (والی هرات) بگوشش رسید. زمانشاه با اطلاع این خبر با عجله به قندهار برگشت و در هفتم سپتمبر ۱۷۹۷ از قندهار برای مقابله با شهزاده محمود حرکت کرد. مگر شهزاده محمود قبل از شروع جنگ با زمانشاه، شکست خورد و بایسر خود کامران به ایران گریخت. زمانشاه با سپاه خود وارد شهر شد ولی بجز دونه از محرکین این غایله بیشتر کسی را نکشت. [۵]

زمانشاه یک بار دیگر بعزم فتح دهلی لشکرکشی خود را آغاز نمود و در ۲۵ اکتوبر ۱۷۹۸ از پشاور بجانب لاهور شتافت و مثل گذشته بدون مانعی وارد لاهور شد. این بار خوانین و زمینداران پنجاب نیز به دربار زمانشاه برای ادای احترام حاضر شدند که در آن جمله رنجیت سینگ نیز شامل بود. و زمانشاه رنجیت سینگ را بحیث حاکم پنجاب منصوب کرد. [۷]

جوش و خروش مسلمانان هند برای پذیرائی از لشکرکشی زمانشاه بر هند یکجا با این افواه که او با ناپلئون بمنظور فتح هند دست یکی کرده است، انگلیسها را بخوف انداخت و بی درنگ دست به دیپلوماسی شدیدی زدند. لارڈ ویسلی حاکم عالی کمپنی در کلکته به نمایندگی ایرانی الاصل خود مهدی خان ملقب به بهادر جنگ

که نماینده کمپنی در بوشهر ایران بود، هدایت داد تا با دربار ایران تماس گرفته، شاه را بر ضد دولت افغانستان تحریک و به کمک پولی انگلیس امیدوار کند. مهدیخان با تحف و هدایایی بحضور شاه (فتح علیشاه) بار یافت و در ضمن مطالب دیگر اظهار داشت :

« زمانشاه که در لاهور است و بر شیعیان آنجا ظلم میکند، هزاران نفر شیعی از ظلم او بممالک کمپنی هند شرقی پناهنده شده اند، اگر پادشاه ایران بر افغانها حمله نماید، ثواب جمیل حاصل خواهد کرد. برای اینکار بهتر است محمودشاه (برادر زمانشاه) را که در ایران پناهنده است با نیروی کمکی به افغانستان بفرستد تا بر برادرش غلبه نماید و ستمگری زمانشاه بر شیعیان خاتمه یابد.» [۸]

محمد علی موحد در کتاب خود (مبالغه مستعار) بروایت از روضه الصفاى ناصرى (جلد نهم، صفحه ۳۶۰) در شرح ماموریت مهدی علی خان مینویسد: «ضمناً تمنا نمود که دولت علیه ایران را با دولت بهیه انگلیس موافقتی باشد که افغانه قصد تسخیر هندوستان نمایند و سپاه ایران شاه آن طایفه را فارغ و آسوده نگذارند که به فکر عزیمت هندوستان در افتند.» [۹]

مولف می افزاید: «**وظیفه اصلی مهدی علیخان در این ماموریت دو چیز بود:** اول کاری کند که سرحدات غربی افغانستان از سوی ایران مورد تهدید واقع شود تا زمانشاه را از سرازیر شدن در دشت هندوستان بازدارد. دوم آنکه مانع بسط و توسعه نفوذ فرانسه در ایران گردد. مهدی علی خان در انجام هر دو منظور موفق بود. کمپانی هند شرقی سالانه دو تا سه لک روپیه در اختیار او گذاشته بود تا به مصرف تأمین هزینه های قشون کشی به افغانستان برسد ولی وی چون دریافت که فتح علی شاه خود سودای فتح افغانستان را در سر می پروراند از افشای مقصود خود داری نمود و چنین وانمود کرد که صرفاً برای تهنیت جلوس همایونی به ایران آمده است. زیرا اگر نگرانی کمپنی از بابت زمانشاه برملا میشد، هزینه لشکرکشی به افغانستان به گردن کمپانی می افتاد. هدف دیگر ماموریت میرزامهدی علیخان نیز با صدور فرمانی از طرف شاه مبنی بر ممانعت از ورود فرانسوی به بنادر ایران برآورده شد.» [۱۰]

محمد علی موحد، زیر عنوان «**تحریک ایران برای حمله به افغانستان**» مینویسد: «موفقیت بزرگ دیگر میرزا مهدی علیخان در ماموریت تهران بود، به این تفصیل که در آن ایام زمانشاه افغان به پشت گرمی و عده های مساعدت راجه های هندی که از تسلط انگلیسی ها ناخشنود بودند به خیال فتح هندوستان افتاد. حکومت که از مقابله با جنگ جویان سلحشور افغانی در پنجاب و معابر صعب العبور بین هندوستان و افغانستان بیمناک بود میرزا مهدی علی خان را چنانکه تاریخ منتظم ناصری در شرح وقایع سال ۱۲۱۴ هجری آورده است» با تحف و هدیا به دربار معلا» فرستاد تا «سلطنت اعلیحضرت خاقان کشورستان را تهنیت و تبریک» گوید. این البته ظاهر امر بود، اما نیت واقعی میرزا و ماموریت اصلی او تشویق و تحریک شاه ایران بود برای حمله به افغانستان و نیز چاره جوئی برای جلوگیری از دست یابی فرانسوی ها به بنادر ایران در خلیج فارس. حکومت هند به میرزا اختیار داده بود که در صورت موافقت شاه با حمله به افغانستان هزینه آن را برعهده بگیرد، لیکن میرزا که مزاج شاه را موافق مقصود خود یافت نیازی به تعهد مالی ندید. فتح علی شاه اگرچه از لشکرکشی و حمله مستقیم به افغانستان خودداری نمود لیکن همراه سپاه به خراسان رفت و محمود شاه (شهبازده محمود) و فیروزشاه برادران زمان شاه را که به دربار ایران پناهنده شده بودند با دادن امداد و تجهیزات به افغانستان گسیل داشت. زمانشاه در آن زمان تا لاهور پیش رانده بود ولی چون از حمله برادران و امداد و تقویت

آنان از سوی ایران آگاهی یافت سودای فتح هندوستان را از سر بدر کرد و به کشور خود بازگشت...» [۱۲]

انگلیس با چنین توطیه‌ی بی، دولت فارس را برآن داشت تا برای زمانشاه که به لاهور رسیده بود، در خراسان مزاحمت خلق کند. فتح علی شاه قاجار که تحایف و وعده‌های انگلیس را در یافته بود، به اتفاق شهزاده محمود برادر زمانشاه بسوی خراسان لشکر کشید [اواخر ۱۷۹۸].

### نقش صدراعظم زمانشاه در واگذاری خراسان به ایران:

وقتی زمانشاه از لشکرکشی شاه قاجار بر خراسان مطلع شد، با شتاب از لاهور به افغانستان برگشت. در ۳۰ جنوری ۱۷۹۹ زمانشاه به پشاور رسید و پس از توقیفی کوتاه از پشاور آهنگ هرات کرد. زمانشاه نگران بود که ممکن است برادرش محمود با کمک شاه قاجار بر هرات یا قسمت دیگری از خراسان تسلط یابد. زمانشاه بعد از مواصلت به هرات به عساکرش استراحت داد، اما دیری نگذشت که مطلع شد شاه قاجار به تهران بازگشته است. [۱۱]

غبار از حمله شاه قاجار با همراهی شهزاده محمود بر خراسان در سال ۱۷۹۸ یاد نموده و نامه سردار رحمت الله خان صدراعظم زمانشاه را به صدراعظم فارس نقل و علاوه میکند که: «این بار فتح علیشاه روی رضا نشان داد و به شهزاده محمود گفت: شما بواسطه ناسازگاری هوا باید به طیس ویا ترشیز اقامت نمائید و تا سال آینده نمیتوانید اقدام برضد زمانشاه کنید. البته در آینده بروسای عرب آن منطقه امر خواهد شد که در حمله بر هرات با شما کمک کنند. از آن بعد در یک روز زمانشاه از هرات بقصد قندهار و فتح علیشاه از سبزواری به قصد تهران مراجعت کردند.» [۱۳]

فرهنگ اشاره به نامه‌های میکند که بین صدراعظم زمانشاه (سردار رحمت الله خان) و حاجی ابراهیم صدراعظم فارس رد و بدل شده بود و مینویسد: «وقتی شاه قاجار قریه مزینان سبزواری را محاصره کرد یک نفر افغان از طرف وفادارخان وزیر اعظم زمانشاه نامه‌ای با چند شال ظریف به عنوان خلعت برای حاجی ابراهیم وزیر اعظم قاجار آورد. در این نامه صدراعظم زمانشاه نوشته بود: «اگر حکمران ایران (فارس) از حمایت شهزاده محمود دست بکشد و اطمینان بدهد که به متصرفات افغانستان حمله نخواهد کرد تا زمانشاه بتواند بدرستی نقشه اش را در کشور هندوستان تعقیب کند، زمانشاه از حمایت رؤسای خراسان (جعفر خان بیات والی خراسان و الله یارخان از امرای طرفدار دولت درانی که بدست دولت ایران اسیر شده بودند) خود داری خواهد کرد و تمام ایالت را تا چند میلی هرات رها خواهد کرد تا به تصرف شاه ایران درآید.» [۱۴]

بدینسان استعمار انگلیس نخستین ضربت خود را بر پیکر افغانستان وارد کرد و بر اثر مشوره‌های غلط سردار رحمت الله خان صدراعظم کم درایت زمانشاه، خراسان به تصرف ایران در آمد (۱۷۹۹)، در حالی که زمانشاه به فتح هند نایل نشد. ایران که چنین تحفه بزرگ را از سوی زمانشاه دید، بلا درنگ بدرخواست زمانشاه راضی شد و شهزاده محمود را به ترشیز کرمان تبعید نمود.

محمدعلی موحد زیر عنوان «افغانستان بلا گردان هندوستان» مینویسد: «از این تاریخ است که مسایل خلیج فارس و افغانستان در هم گره میخورد و بریتانیا این دو منطقه را به عنوان بارویی [دژی] برای حفظ هندوستان

د پانو شمیره: له ۴ تر ۸

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته راښوولې. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)  
یادونه: دلیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په څیر و لولئ

تلقی میکند. قرار است که خلیج فارس را دریا و افغانستان را از خشکی، راه را بر مهاجمینی چون ناپلئون و تزار که چشم طمع بر هندوستان، آن نگین جادویی امپراتوری بریتانیا، دوخته باشند برینند. در خلیج فارس بعدها ملاحظات دیگری هم مانند دسترسی به ذخایر نفتی و غیره پیدا میشود اما در مورد افغانستان هیچ ملاحظه دیگری جز بلا گردانی هندوستان در کار نیست و سیاست بریتانیا نسبت به آن کشور به اقتضای تبدلات هندوستان شکل میگیرد و دگرگون میگردد.

در اوایل امر که هنوز جای پای انگلیس ها در هندوستان سخت نشده بود سیاست بریتانیا کشاندن پای ایران در اختلافات داخل افغانستان بود و از این امر برای سرکوب عشایر و امرای افغانستان که با کمک بقیه السیف راجه ها و شهزاده های محلی در صدد دست اندازی به قلمرو هندوستان برمی آمدند استفاده میکرد اما پس از آنکه جای پای خود را در هندوستان محکم و استوار یافت این سیاست را رها کرد. از آن پس بریتانیا افغانستان را به عنوان دژی حایل در راه هندوستان تلقی می کرد و بنابر این هرگونه تحرکی را از سوی ایران که برای تضعیف موقعیت آن دژ بیانجامد بر نمی تافت. [۱۵]

در اوایل سال ۱۸۰۱ انگلیس بمنظور دفع حملات زمانشاه برهند سفیر فوق العاده خود سرجان ملکم را غرض عقد قراردادی به تهران فرستاد. سرجان ملکم درهم جنوری ۱۸۰۱ یک قرارداد با دولت ایران علیه افغانستان امضاء کرد که برطبق آن از هرگونه دخالت افغانها و فرانسویان درهند و در ایران جداً جلوگیری میکرد.

ماده دوم این قرار داد میگفت: «هرگاه پادشاه افغانستان تصمیم بگیرد که به هندوستان حمله نماید، چونکه سکنه هندوستان رعایای اعلیحضرت پادشاه انگلستان می باشند، یک قشون کوه پیکر باتمام لوازم و مهمات آن از طرف کار گزاران اعلیحضرت قدر قدرت شاهنشاهی ایران به افغانستان مامور خواهد شد که آن مملکت را خراب و ویران نماید و تمام جدیت و کوشش را بکار خواهند برد که آن ملت بکلی مضمحل شده و پریشان گردد.»

و ماده چهارم بیان میکرد: «هرگاه اتفاق افتد که پادشاه افغانستان یا کسی از ملت فرانسه بخواهد با دولت شاهنشاهی داخل جنگ گردد.... انگلیس به ایران کمک نظامی میکند.» [۱۶]

انگلیسها با اقدامات توطئه آمیز خود حتی قبل از عقد این قرارداد با ایران برضد افغانستان و فرانسه، هم ایران را برای اشغال خراسان تشویق کردند و هم فرانسه را در تمام تلاشهایش برای فتح هند ناکام و ناامید ساختند و هم زمانشان را که خواب فتح هندوستان را می دید از میان بردند.

### شک و بدگمانی من در مورد صدر اعظم زمانشاه:

برای من سوال برانگیز است که زمانشاه چطور با لشکر عظیم و آماده نبرد در هرات هیچ اقدامی در دفاع از متصرفات خود در غرب کشور نکرد و براحتی حاضر گردید از خراسان به نفع دولت قاجاری بدون کدام جنگ و زور آزمائی صرف نظر کند، آنهم به شرطی که از کمک به شهزاده محمود دست بردارد؟ در حالیکه میتوانست با دادن خراسان به برادر خود تمامیت ارضی کشور خود را حفظ کند.

د پانو شمیره: له ۵ تر ۸

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)  
یادونه: دلیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله لیکنه له رالیولو مخکي په څیر و لولئ

ناکامی های متواتر زمانشاه در لشکرکشیها و واگذاری مفت خراسان به ایران بدون مقابله و زور آزمائی با ایران ، این شک و تردید را در ذهن تقویت میکند که، نکند وفادارخان صدراعظم زمانشاه نیزیکی از جواسیس واجنتان انگلیس بوده باشد؟ هرچند سندی درمورد اجنتوری وفادارخان در دست نیست ولی از این اشاره فرهنگ که میگوید: « زمانشاه درسال سوم سلطنتش (۱۷۹۶) سرداررحمت الله خان پسر سردارفتح خان پوپلزائی را که از ابدالیان مقیم ملتان بود و در مرکز افغانستان مثل کندهار و کابل نفوذ و اعتباری نداشت، با لقب " وفادارخان" به حیث صدراعظم مقرر کرد.» [۱۷] استنباط می شود که انگلیسها در پیش کردن سردار رحمت الله خان بدربار زمانشاه نقش بازی کرده اند. زیرا انگلیسها از ۱۷۹۳ تا سال ۱۷۹۶ بخوبی متوجه بودند که زمانشاه هر سال برهندلشکرکشی میکند و با وجودی که در عقب هرلشکرکشی اوشورشی برپا میشد و شاه را مجبور میساخت تا راه رفته را با سرعت دوچند طی کند و خود را به افغانستان برساند و غایله را خاموش کند، در چنین اوضاع و احوالی بود که انگلیس ها بالاخره شخص مطلوب خود را از میان ابدالیان مولتان یافتند و آن شخص همین سردار رحمت الله خان بود که او را به دربار زمانشاه رهنمائی و معرفی کردند و زمانشاه هم او را بحیث وزیراعظم خود برگزید و بلقب وفادارخان مفتخر ساخت و او نیز پس از تقرر در مقام صدارت نقش مخربی در ایجاد فاصله میان شاه و سران قومی بازی کرد. اولین کار او برکنار نمودن رجال و سران معتبر و بارسوخ دولت زمانشاه [بشمول سردارپاینده خان] بدون کدام جرم و گناهی از کار و مناصب دولتی بود. سپس آنها را مورد پی گرد و فشار گذاشت تا آنجا که سران ناراضی برای نجات خود از آن وضعیت مجبور شدند با روحانی هندی الاصل مقیم خرقة شریفه قندهار به مشورت بپردازند و راه نجات خود را جستجو کنند. روحانی مذکور که بدون تردید اجنت انگلیس بود، آنها را به کودتای علیه زمانشاه تشویق میکند و سرانجام اسرار کودتا که به نظر برخی از مورخین ساخته و پرداخته خود صدراعظم بود [۱۸] به زمانشاه رسانده میشود و شاه امر اعدام همه را بدون تحقیق و معلوم کردن علت کودتا صادر میکند، در حالی که اگر صدراعظم گماشته انگلیس نمی بود، میتواندست عواقب بد این اعدام را به شاه گوشزد کند و او را از عواقب خطرناک خانه جنگی داخلی بر حذر سازد، ولی چنین نکرد. وفادارخان مطابق نقشه انگلیس زمانشاه را در تمام عرصه های نظامی و سیاسی ناکام ساخت تا آنجاکه نه تنها سلطنت بلکه بینائی او را نیز از وی گرفت و برای مدت بیست سال سبب خانه جنگی میان پسران تیمورشاه و بالاخره باعث قتل فاجعه آمیز وزیرفتح خان و ایجاد دشمنی میان دو خانواده بزرگ درانی (سدوزی و بارکزی) گردید.

## نتیجه :

با شرح موارد فوق دیده میشود که انگلیس بخاطر ناکامی شاه زمان، و ممانعت او از حمله بر هندوستان حاضر شده بود به شاه قاجار از ۲۰۰ تا ۳۰۰ هزار روپیه بپردازد و با ارسال تحف و وعده ها و عقد قرارداد های سیاسی با دولت فارس ، افغانستان را مورد تهدید قرار بدهد تا آنجا که شاه زمان، دلیرترین شاه سدوزائی را بدون مقابله و ادار به واگذاری ایالت خراسان به دولت ایران میکند.

در واگذاری ایالت خراسان به ایران وفادارخان صدراعظم زمانشاه نقش مهمی داشت زیرا با وجودی که زمانشاه باسی هزار لشکر جنگجوی خود از لاهور خود را به درهات رسانده بود و میتواندست از سرحدات غربی کشور در مقابل ایران دفاع کند ولی صدراعظم او بجای شتافتن بمقابل ایران و دفاع از مرزهای غربی کشور ، نامه ای افتضاح آمیز و تسلیمی پذیرانه همراه با هدایایی به صدراعظم ایران میفرستد و در آن وعده

د پانو شمیره: له ۶ تر ۸

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته راښوولې. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دلیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکي په خير و لولئ

واگذاری ایالت خراسان را میدهد و از او صرف می‌خواهد که جلو مزاحمت های شهزاده محمود را بگیرد تا زمانشاه نقشه فتح دهلی را دنبال کند.

مورخین این همه ناکامی ها و بدبختی های وارده را نتیجه مشورتهای غلط سردار رحمت الله خان صدراعظم زمانشاه میدانند، ولی باید بخاطر داشت که تلاش روسها برای رسیدن به آبهای گرم و راندن انگلیس از سرزمین هند، علت اصلی از دست دادن خراسان بود. انگلیسها بمنظور توسعه حریم دفاعی هندوستان دو بار بر افغانستان در قرن ۱۹ تجاوز کردند و در پایان هرتجاوزی بخش های دیگری از پیکر افغانستان را در غرب و شمال و جنوب جدا کردند. مثلاً: سیستان را در ۱۸۷۲ به ایران، و مناطق قبایلی جنوب خط دیورند را برای حفظ هندوستان در ۱۸۷۹ با قرارداد گندمک متصرف شدند و پنجاه و آق تپیه، چمن بید و چشمه سلیم و پامیر و شغنان را در سالهای ۱۸۸۵ تا ۸۸۶ به روسها دادند، و افزون بر اینها کنترل بر سیاست خارجی افغانستان را از ۱۸۰۹ تا ۱۹۱۹ یعنی تازمان کسب استقلال سیاسی بدست داشتند. **پایان**

### مآخذ و توضیحات:

[۱]- الفنستون ، افغانان، ترجمه آصف فکرت، چاپ مشهد، ص ۵۰۴

[۲]- راپور غلام سرور، گزارشی است که نگارنده و تهیه کننده آن غلام سرور مامور استخباراتی کمپنی هند شرقی در سال ۱۷۹۳ م به افغانستان سفر نموده از وضع استحکامات نظامی قشون و آمادگی های زمانشاه بسوی هند و وضع عایداتی و مصارفاتی زمانشاه تهیه شده و در بدل مبلغ چار هزار و پنجصد روپیه آنرا بدسترس مسئولین کمپنی هند شرقی گذاشته است. بگفته مترجم عبدالوهاب فنائی، اصل این راپور در یکصد صفحه بزبان فارسی تهیه شده و ترجمه آن بزبان انگلیسی صورت گرفته و مترجم تلخیصی از آنرا در مجله آریانا در ۲۰ صفحه برگردان و بچاپ رسانده است. (مجله آریانا، سال ۱۳۶۷، شماره اول مقاله راپور غلام سرور، ترجمه عبدالوهاب فنائی)

[۳]- مجله آریانا، سال ۱۳۶۷، شماره اول مقاله راپور غلام سرور، ترجمه عبدالوهاب فنائی

[۴]- غبار، افغانستان در مسیر تاریخ، ص ۳۸۰

[۵]- الفنستون، افغانان، ص ۵۱۰-۵۰۸

[۶]- الفنستون ، افغانان، ص ۵۱۱

[۷]- الفنستون، افغانان، ص ۵۱۰

[۸]- فرهنگ، افغانستان در پنج قرن اخیر ، ج ۱، ص ۱۹۱

[۹]- محمدعلی موحد، مبالغه مستعار، تهران، نشر کارنامه، ۱۳۸۰، ص ۳۳

[۱۰]- موحد، همان اثر، ص ۳۳

[۱۱]- الفنستون، افغانان، ترجمه آصف فکرت، چاپ مشهد ایران، ص ۵۱۰

[۱۲]- محمدعلی موحد، مبالغه مستعار، چاپ تهران، ص ۳۲

د پانو شمیره: له ۷ تر ۸

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)  
یادونه: دلیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله لیکنه له رالیولو مخکي په څیر و لولئ

[۱۳]- غبار، افغانستان در مسیر تاریخ، ج ۱، ص ۳۸۸

[۱۴]- فرهنگ، ج ۱، ص ۱۹۲

[۱۵]- محمد علی موحد، مبالغه مستعار، چاپ تهران، ص ۳۴

[۱۶]- فرهنگ، ج ۱، ص ۱۹۱، مقایسه شود با غبار، افغانستان در مسیر تاریخ، ص ۵۰۳، مبالغه مستعار، ص ۳۴-۳۵

[۱۷]- فرهنگ، ج ۱، ص ۱۸۵

[۱۸]- فرهنگ، ج ۱، ص ۱۹۶

---

د پانو شمیره: له ۸ تر ۸

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)  
یادونه: دلپکنی د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکې په ځیر و لولئ